

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «استقلال»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۹۹

تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۱۷



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «استقلال»

مؤلف:

محسن ابوالحسنی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۹۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۶/۱۷

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۴.....	چکیده
۵.....	۱. درآمد
۵.....	۲. مفهوم‌شناسی
۵.....	۲،۱. در لغت
۶.....	۲،۲. در اصطلاح
۶.....	۳. مفاهیم مشابه
۶.....	۳،۱. خودکفایی
۷.....	۳،۲. آزادی
۷.....	۴. تاریخچه مفهوم
۷.....	۵. ابعاد استقلال
۷.....	۵،۱. استقلال سیاسی
۸.....	۵،۲. استقلال اقتصادی
۹.....	۵،۳. استقلال فرهنگی و اجتماعی

۶. ادله استقلال ۹
- ۶،۱. ادله فقہی ۹
- ۶،۱،۱. مبانی فقہی لزوم استقلال یک کشور به مثابه یک واحد سیاسی (دولت) در مقابل سایر واحدهای سیاسی ۱۰
- ۶،۱،۲. مبانی فقہی لزوم استقلال یک کشور به مثابه بخشی از امت اسلامی در مقابل کفار ۱۱
- ۶،۱،۳. دلایل مشترک ۱۵
- ۶،۲. ادله حقوق عرفی ۱۶
۷. استقلال در نظام حقوقی ایران ۱۶
- جمع بندی ۱۸
- منابع برای مطالعه بیشتر ۱۸
- منابع ۱۹

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

«استقلال، Independence»

چکیده

هر حکومتی که در هر جایی تشکیل می‌گردد، برای فعالیت بهینه و اعمال حاکمیت خود نیازمند این است که بتواند بدون وابستگی به بیگانگان امور خود را پیش برده و با آزادی عمل کامل به وضع و اجرای قوانین در عرصه‌های مختلف پردازد و تمامیت ارضی خود را نیز محفوظ بدارد. با این نگاه، استقلال ارزشی است که دولتی را فارغ از آن نمی‌توان یافت و همه دولت‌ها صرف نظر از شکل و ساختار و ایدئولوژی، در پی آن هستند و کمال خود را در نیل کامل به آن می‌بینند.

استقلال در جهان واقع، در چند عرصه به مرحله ظهور می‌رسد، اما علی‌رغم بسترهای گوناگون، مسئله واحد عدم وابستگی و آزادی عمل، نقطه مشترک همه آن‌هاست. استقلال سیاسی به عدم وابستگی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدام آزادانه اعضای یک جامعه در تعیین سرنوشت خود تکیه می‌کند، استقلال اقتصادی به تأمین نیازهای اقتصادی جامعه و تأمین رفاه برای مردم بدون وابستگی به کشورهای دیگر اشاره دارد و استقلال فرهنگی و اجتماعی نیز به داشتن فرهنگ و هویت مستقل و بدون وابستگی فکری به ارزش‌های بیگانه معطوف می‌شود.

نگاه ارزش مدارانه به مفهوم استقلال صرفاً مختص چند قرن گذشته نیست و ادله بسیاری برای اثبات آن در منابع اسلامی نیز قابل مشاهده است. البته استقلال در منابع اسلامی گاه برای دارالاسلام تعریف شده است و استقلال امت اسلامی در مقابل کفار و غیرمسلمانان مورد اشاره قرار گرفته است و در مواردی نیز ادله‌ای دال بر استقلال یک واحد سیاسی در مقابل سایر واحدهای سیاسی از آن‌ها استخراج می‌گردد که در همه آن‌ها استقلال (در عرصه‌های مختلف خود) به عنوان یک ارزش مطرح شده است و تأمین و تضمین آن واجب شمرده شده است.

این مفهوم با این پشتوانه قوی خود، در نظام حقوقی کشور ما هم جایگاه خود را یافته است و گونه‌های مختلف آن به کرات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تصریح قرار گرفته است و بر حفاظت و حراست از آن تأکید شده است.

۱. درآمد

یکی از مفاهیم اساسی در حقوق عمومی، مفهوم استقلال است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به عنوان یکی از اهداف نظام ذکر شده است. این مفهوم در جامعه بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در برداشت از آن با اختلافات کوچک، اتحاد نظری نسبی وجود دارد. در این گزارش ضمن شناخت مفهوم استقلال در دو بعد لغوی و اصطلاحی، مفاهیم مشابه آن نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد و با نگاهی گذرا به تاریخچه این مفهوم، ابعاد آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آن جایی که استقلال، دلایل فقهی بسیاری دارد، در کنار ادله حقوق عرفی، ادله فقهی آن به طور مبسوط مورد توجه قرار می‌گیرد و به جایگاه آن در نظام حقوقی کشورمان و به طور خاص در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره خواهد شد.

۲. مفهوم شناسی

واژه استقلال از معنای ریشه لغوی خود دارای گسترش معنایی شده است و این گسترش تا جایی بوده است که در لغت نیز معنای جدیدی را به خود اختصاص داده است. اما در ادبیات فقهی و حقوقی تفاوت چندانی با مفهوم لغوی آن ایجاد نشده و بیشتر تدقیق در آن صورت گرفته است.

۲.۱. در لغت

استقلال که از ریشه (ق ل ل) مشتق شده است، به معنای طلب کمی است و در ادبیات عرب به معنای کمی طلب وابستگی به غیر استفاده شده است و با گسترش معنایی به مفهوم خودمختاری و آزاد بودن ترجمه شده است. (سیاح، ۱۳۸۰، جلد اول، ۱۶۳۵) بعضی دیگر این واژه را معادل واژه «السیادة» در زبان عربی دانسته و آن را به بلند شدن، ارتفاع یافتن و اوج گرفتن ترجمه کرده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، جلد اول، ۳۴۷) همچنین استقلال را به انجام کاری بدون تکیه بر فرد یا چیزی دیگر و تحت سلطه دیگری نبودن نیز معنا کرده‌اند. (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶ هـ - ق، جلد اول، ۴۵۰) در ادبیات فارسی هم واژه استقلال با همان مفهوم خودمختاری و آزاد بودن وارد شده است و معنای ضابط امر خویش بودن و به خودی خود و بدون دخالت یا کمک دیگران کاری کردن به خود گرفته است (دهخدا، ۱۳۸۵، جلد اول، ۱۴۲)

۲.۲. در اصطلاح

در ادبیات حقوقی استقلال را حالت کشوری گفته‌اند که زمامداری آن به هیچ وجه تابع زمامداری دیگر کشورها نباشد. (هاشمی، ۱۳۷۴، جلد اول، ۲۰۰) اگر چه در زبان مرسوم مفاهیم حاکمیت، استقلال و خودمختاری غالباً به جای یکدیگر به کار می‌روند ولی شماری از حقوقدانان بین آن‌ها تفاوت قائل شده‌اند و بیان کرده‌اند که استقلال حاکمیتی است معطوف به خارج؛ یعنی هیچ قدرتی نمی‌تواند قواعد رفتاری خود را در قلمرو اقتدار دولت - کشور به آن تحمیل کند (حاکمیت برونی). خودمختاری، بر صلاحیت درونی دولت - کشور متکی است و هر کشوری حق تعیین شرایط و کیفیات موجودیت خود، انتخاب شکل حکومت و قوانین خود را داراست (حاکمیت درونی) و حاکمیت به معنای انحصار صلاحیت، عدم وابستگی و خودمختاری در اجرای صلاحیت در محدوده‌های مشخص قواعد برتر است. (قاضی، ۱۳۸۸، ۷۹) در ادبیات علوم سیاسی به «صاحب اختیاری و آزادی کامل یک کشور در امور سیاسی و اقتصادی، بدون اعمال نفوذ خارجی» (معین، ۱۳۸۸، جلد اول، ۲۵۷) و «آزادی عمل داشتن کشوری در وضع و اجرای قوانین و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط به خود» (انوری، ۱۳۸۶، جلد اول، ۳۸۶) معنی شده است.

۳. مفاهیم مشابه

در کنار مفهوم استقلال، مفاهیم دیگری وجود دارد که از جهات مختلفی به آن شباهت دارد که در اینجا به دو مفهوم «خودکفایی» و «آزادی» اشاره خواهیم کرد.

۳.۱. خودکفایی

مفهوم خودکفایی نزدیکی بسیاری با یکی از ابعاد استقلال یعنی استقلال اقتصادی دارد. خودکفایی به حالتی که مملکتی به منابع مالی و انسانی خود متکی باشد و استمداد از ممالک دیگر نکند گفته شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، جلد سوم، ۱۸۳۸) با توجه به تعریف مفاهیم استقلال و خودکفایی، هر دو از حیث متکی بودن به خود و نوعی خودمختاری دارای اشتراک هستند، اما معنای استقلال غیر از خودکفایی است. در خودکفایی یک جامعه همه نیازهای خود را تأمین می‌کند و نیازی به وارد کردن کالا از خارج ندارد، درحالی‌که در استقلال اقتصادی ممکن است احتیاج به وارد کردن یک کالا هم وجود داشته باشد، اما کشور برای تأمین این نیاز تکیه بر سایر جوامع ندارد و با اراده برابر نسبت به طرف بیگانه اقدام به معامله یا خرید و فروش کالاها و خدمات ایشان می‌کند.

۳.۲. آزادی

برای آزادی تعاریف متعددی با نگاه‌ها و رویکردهای متفاوت بیان شده است. در نگاهی عمومی به آزادی، میان آزادی ملت و استقلال شباهت‌های بسیاری می‌توان یافت. ملت آزاد با این تعبیر ملتی است که به هر صورت تحت نفوذ و سیطره مخالفین خود یا دشمنان یا بیگانگان قرار ندارد. (Leader.ir، ۱۳۹۳/۳/۱۴) در این رویکرد صاحب اختیاری و خودمختاری یک کشور، آزادی آن ملت از سلطه بیگانگان محسوب می‌شود و از این‌رو استقلال یکی از انواع آزادی و از مفاهیم نزدیک به آن به شمار می‌رود.

۴. تاریخچه مفهوم

تاریخچه استقلال را باید از بدو تشکیل حکومت در جهان دانست. زیرا که استقلال و رهایی از وابستگی، از ارزش‌هایی بوده است که دولت‌ها در طول تاریخ در تلاش برای دستیابی و تحقق آن بوده‌اند. با تشکیل دولت - کشورها با ارکان اصلی جمعیت، سرزمین و حاکمیت و قدرت سازمان‌یافته و ظهور جدی مفهوم حاکمیت در زمان فروپاشی نظام فئودالی در قاره اروپا، استقلال به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت یک دولت کشور شناخته شد. حاکمیت که به دو نوع حاکمیت برونی (حاکمیت دولت) و حاکمیت درونی (حاکمیت در دولت) تقسیم می‌شود، در بعد بیرونی به استقلال و عدم وابستگی آن در ارتباط با سایر دولت - کشورها اشاره دارد. (قاضی، ۱۳۸۸، ۷۲) از این‌رو استقلال در طول تاریخ از یک ارزش عمومی به یکی از ارکان حاکمیت کشور رشد و ارتقاء یافته است و جایگاه بسیار مهم‌تری را در فضای سیاسی و اجتماعی دنیا پیدا کرده است.

۵. ابعاد استقلال

استقلال اگرچه مفهومی واحد است که حالت خاصی را برای یک مجموعه توصیف می‌کند، اما می‌توان در حوزه‌ها و ابعاد گوناگونی، این حالت را برای یک مجموعه متصور دانست که ضعف یا نقص در هر کدام از این واحدها می‌تواند به مستقل ندانستن آن مجموعه در آن بعد خاص بیانجامد.

۵.۱. استقلال سیاسی

منظور از استقلال سیاسی آن است که یک کشور از جهت مدیریت سیاسی، تابع یا متأثر از کشور دیگر نباشد و دولت آن کشور، انحصاراً ابتکار تعیین سرنوشت کشور را بدون

دخالت سایر دولت‌ها داشته باشد. این مفهوم در دو بعد سیاست داخلی و خارجی یک کشور تبلور می‌یابد. از یک‌سو، دولت به تنهایی می‌تواند برای مردم ایجاد حق و تکلیف کند و هیچ دولتی حق دخالت در امور داخلی کشور را ندارد و از سوی دیگر این دولت است که ابتکار تعیین و اداره روابط با کشورهای خارجی در مذاکرات و انعقاد قرارداد و شرکت در مجامع بین‌المللی را رأساً و بدون دخالت دیگر کشورها بر عهده دارد. (هاشمی، ۱۳۷۴، جلد اول، ۱۷۶)^۱

به‌طور خلاصه، استقلال سیاسی می‌تواند به سه شکل ذیل اطلاق گردد: ۱ - جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه و اقتدار خارجی؛ ۲ - وضع هر تجمع بشری که دستگاه و ارکان آن به نسبت دستگاه و ارکان تجمع بشری دیگر در حال اطاعت و پیروی واقع نشده باشد. ۳ - حقی که به‌موجب آن، هر کشور در سیاست داخلی یا خارجی خود آزاد است (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۹، ۹۱).

۵.۲. استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی عبارت است از مجموعه امکانات و توانایی‌هایی که با اتکاء به آن‌ها، یک کشور با ابتکار عمل بر اقتصاد داخلی و روابط آن با اقتصاد بین‌المللی، حاکمیت دائم، تمام عیار و غیرقابل انتقال داشته باشد. (هاشمی، ۱۳۷۴، جلد اول، ۱۷۸) و در تأمین نیازهای اقتصادی خود در حد قابل قبولی از رفاه، متکی و وابسته به دیگران نباشد. البته این بعد از استقلال که از جهت ارزش بالاتر از استقلال سیاسی است (Leader.ir، ۱۳۷۵/۱/۲۸)، بدین معنا نیست که ملتی که دارای استقلال اقتصادی است، با هیچ‌کس در دنیا داد و ستد نمی‌کند. داد و ستد و معامله کردن و گفتگوی تجاری کردن دلیل ضعف نیست اما باید به‌گونه‌ای باشد که یک ملت اولاً بتواند نیازهای اصلی خود را فراهم کند؛ ثانیاً در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد که نتواند او را به آسانی کنار بگذارند. (Leader.ir، ۱۳۷۲/۲/۱۵)^۲

۱. اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی نیز بر این اصل تأکید دارد که یکی از بنیان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حفظ استقلال همه‌جانبه کشور است.

۲. این مفهوم آن‌چنان برای تهیه و تصویب‌کنندگان قانون اساسی اهمیت داشته است که در اصل چهل و سوم قانون اساسی، استقلال اقتصادی را در صدر اهداف اقتصاد جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند و ضوابط اقتصاد کشور را برای نیل به این اهداف مشخص و تدوین نموده‌اند.

۵.۳. استقلال فرهنگی و اجتماعی

در تعریف فرهنگ بیانات گوناگون و متنوعی ابراز شده است که سبب شده تا یافتن فهم واحدی از فرهنگ دچار مشکل گردد. اما به صورت کلی تعاریف را در سه گونه می توان دسته بندی کرد: در برخی تعاریف، فرهنگ در برگیرنده اعتقادات، ارزش ها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود. در گونه ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می گردد و بالاخره در پاره ای دیگر از تعاریف، فرهنگ به عنوان عاملی که به زندگی انسان ها معنا و جهت می دهد، شناخته می شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، جلد سوم، ۱۵۰)

فارغ از این که چه تعریفی از فرهنگ را اختیار کنیم، منظور از استقلال فرهنگی که از همه انواع استقلال سخت تر دانسته شده است (Leader.ir، ۱۳۷۲/۲/۱۵)، عدم وابستگی فکری و ارزشی به کشورهای بیگانه است، به ترتیبی که کشور بتواند با افکار و تمایلات و خصیصه های فکری خود زندگی کند. استقلال اجتماعی نیز که مرتبط با استقلال فرهنگی است هویت افراد یک جامعه را مد نظر دارد و این که مردمان یک جامعه بتوانند هویتی یک پارچه و مستقل از هویت دیگر جوامع داشته باشند و بتوانند بدون چیرگی و غلبه دیگر جوامع، هویت خود را داشته باشند و آن را ابراز کنند. چنین ملتی که احساس شخصیت و استقلال جمعی می کند، قابل هضم شدن در ملل دیگر نیست و می تواند از موجودیت خود دفاع کند. (مطهری، بی تا، ج ۱۷، ۶۳۲)

۶. ادله استقلال

پس از شناخت مفهوم و انواع استقلال در بخش های فوق، بایستی ادله ناظر بر لزوم تحقق این مفهوم را مورد بررسی قرار داد. این ادله در دو دسته دلایل فقهی و دلایل حقوق عرفی بیان خواهد شد:

۶.۱. ادله فقهی

برای مفهوم استقلال در منابع فقهی دلایل متعددی بیان شده است که ضرورت کسب و حفظ آن را، اثبات می کند. نکته حائز اهمیت درباره این ادله این است که می بایست درباره استقلال یک کشور از منظر فقهی، میان دو حالت تمایز قائل شد. گونه ای از دلایل مبین

استقلال کشور به مثابه یک واحد سیاسی (دولت) در مقابل سایر واحدهای سیاسی است و دسته دیگری از دلایل بیانگر استقلال یک کشور اسلامی به مثابه بخشی از امت اسلامی در مقابل کفار است که در ادامه هر دو دسته فوق را مورد بررسی قرار خواهیم داد و پس از آن دلایل مشترک برای هر دو گونه مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱،۱،۶. مبانی فقهی لزوم استقلال یک کشور به مثابه یک واحد سیاسی (دولت) در مقابل سایر واحدهای سیاسی

بعضی از ادله‌ای که استقلال را تبیین نموده و لازم دانسته‌اند، استقلال یک واحد سیاسی در مقابل سایر واحدهای سیاسی را در بر می‌گیرند. در این ادله تشریح می‌گردد که نظام اسلامی باید در مقابل اغیار - که این اغیار ممکن است مسلمان یا غیر مسلمان باشند - مستقل باشد.

۱،۱،۶. وجوب حفظ نظام اسلامی و دفاع از آن و اجرای شریعت و حاکمیت اسلامی

منظور از نظام اسلامی، سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت آن و در تعبیر دیگر شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، جلد نهم، ۳۵) با این وصف هر عمل فردی و جمعی که نظام اسلامی را برقرار، تداوم و استحکام بخشد واجب و هر نوع عمل عادی یا سازمان‌یافته که به یکی از ابعاد نامبرده نظام دین، خلل وارد سازد حرام است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، جلد نهم، ۳۶) فقهای شیعه مسئله حفظ دین و جلوگیری از خطراتی که اسلام را تهدید می‌کند - که دفع بسیاری از آن‌ها جز به ایجاد نظام دینی ممکن نخواهد بود - به عنوان یک ضرورت فقهی و امری مسلم تلقی نموده‌اند. امام خمینی (ره) اصل حفظ دین را یک واجب عقلی و ضرورت شرعی در حدی که بی‌نیاز از دلیل است مطرح نموده و تردید در آن را شایسته هیچ صاحب عقلی نشمرده‌اند. (خمینی، ۱۴۲۱ هـ - ق، جلد دوم، ۶۲۳) ایشان حفظ نظام را از واجبات موکده بر می‌شمارند و اختلال در امور مسلمانان را امری مبعوض می‌دانند. (خمینی، ۱۴۲۱ هـ - ق، جلد دوم، ۶۱۹) دفاع از مرکزیت اسلام که منظور همان حفظ اصل اسلام و جامعه اسلامی است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ هـ - ق، جلد دوم، ۴؛ عاملی، ۱۴۱۰، جلد دوم، ۳۸۱)، از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر خطری متوجه این مرکزیت باشد حتی می‌توان با پیشوایی امام جائر به دفاع از آن اقدام نمود. (طوسی، ۱۴۰۰ هـ - ق، ۲۹۰)

این مطلب از این جهت به عنوان دلیلی بر لزوم حفظ استقلال به حساب می آید که استقلال نداشتن و تسلط کفار بر جامعه اسلامی مایه به خطر افتادن نظام اسلامی و اساس اسلام خواهد شد. پس استقلال از مقدمات حفظ نظام اسلامی بوده که برای نیل به هدف حفظ نظام اسلامی ضروری است.

۶،۱،۲. ضرورت حفظ ثغور اسلامی

دلیل دیگری که می توان برای ضرورت حفظ استقلال نظام اسلامی به مثابه یک واحد سیاسی در مقابل سایر دولت ها ارائه کرد مستندات ضرورت حفظ ثغور و رباط (=حراست و نگهبانی از مرزها) است. رباط و رابطه در لغت عرب به معنای مراقبت از دشمن و ملازمت و مواظبت از مرز آورده شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ - ق، جلد هفتم، ۳۰۳) در فرهنگ لغت های دیگر هم تعاریفی چون «نگاه داشتن و ملازمت نمودن جای آمدن دشمن» (سیاح، ۱۳۸۰، جلد اول، ۶۳۸) و «نگهبانی سرحد» (معین، ۱۳۸۸، جلد سوم، ۳۹۷۹) برای این واژه ذکر شده است که در ادبیات رایج امروز می توان آن را به مرزبانی تعبیر کرد. فقها حفظ مرزهای دشمن از تهاجم دشمنان را عقلاً و شرعاً واجب شمرده اند (خمینی، ۱۴۲۱ هـ - ق، جلد دوم، ۶۱۹؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ هـ - ق، جلد سوم، ۴۲۴) در جهان امروز با توسعه مصداقی، دیگر نمی توان مرز را در معنای جغرافیایی منحصر دانست و حفظ مرزهای سیاسی، حاکمیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق مرزبانی الکترونیک در فضای مجازی نیز قابل طرح است. هدف از مرزداری در همه ابعاد آن، این است که کشور ضربه نخورد و استقلال آن حفظ شود و به خاطر این که رباط یکی از راه های حفظ استقلال است، ادله ای که به ضرورت این موضوع اشاره دارد از ادله استقلال محسوب می شوند.

۶،۱،۲. مبانی فقهی لزوم استقلال یک کشور به مثابه بخشی از امت اسلامی در مقابل کفار

در این بخش ادله ای که بیانگر لزوم حفظ استقلال نظام اسلامی به مثابه بخشی از امت اسلامی است مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. در این ادله مجموعه ای که امت اسلامی بایستی استقلال خود را در برابر ایشان محفوظ بدارد، کفار و غیرمسلمانان خواهند بود.

۶،۱،۲،۱. قاعده نفی سبیل/نفی سلطه

منظور از «سبیل» و «سلطه»، نوعی ولایت و اختیار است که به صاحب آن این قدرت را می دهد که نسبت به طرف مقابل برتری و اعمال اقتدار نماید. هرگاه چنین اختیار و اقتدار

سلطه آمیزی از طرف غیرمسلمان علیه مسلمانان اعمال گردد، موضوع قاعده «نفی سبیل» و یا «نفی سلطه» کافر بر مسلمان صدق پیدا کرده و بر اساس قاعده، هر حکمی که مستلزم چنین سلطه‌ای باشد در اسلام منتفی بوده (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، جلد هفتم، ۷۰۶) و در مقررات دین اسلام حکمی که موجب ثبوت سلطه کافر بر مسلمان باشد، تشریع نشده است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ۲۴۱)

قاعده نفی سبیل که از متن آیه شریفه «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱ برداشت شده است، یکی از مهم‌ترین اصول راهبردی سیاست خارجی نظام سیاسی اسلام می‌باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، جلد هفتم، ۷۰۵)^۲ این قاعده اختصاص به مرزهای کشوری خاص مثل ایران نداشته و شامل همه سرزمین‌های اسلامی می‌شود و محافظت از سرزمین‌های اسلامی (دارالاسلام) را در برابر سلطه کفر (دارالکفر) طلب کرده و رسالتی فراملی برای همه مسلمانان ترسیم می‌کند. (ایزدهی، ۱۳۹۰، ۱۱۵) این قاعده هر گونه راهی که در حوزه تکوین و تشریع موجب سلطه کفار بر مؤمنین شود را شامل می‌شود. (خمینی، ۱۴۲۱ هـ - ق، جلد دوم، ۷۲۳) از این‌رو عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و ... را شامل می‌شود. در یک نگاه کلی می‌توان این قاعده را در دو جنبه مثبت و منفی عام دانست. مقاومت‌های منفی در قبال مداخله بیگانگان هم چون عدم پذیرش تحت‌الحمایگی جنبه منفی این قاعده است و راهکارهای حفظ استقلال و عدم وابستگی به کفار از جنبه‌های مثبت این قاعده می‌باشد که همه بر اساس این قاعده شکل گرفته است. (شریعتی، ۱۳۸۷، ۲۲۰) چرا که سلطه و استیلا پیدا کردن مستلزم نقض استقلال بوده و از این‌رو قاعده نفی سبیل (= سلطه) در واقع مبنایی برای تضمین استقلال به شمار می‌آید.

۱. سوره نساء (۴) آیه ۱۴۱: و خداوند هرگز بر مؤمنان، برای کافران راهی قرار نداده است.

۲. آیات دیگری نیز به‌عنوان دلیل اثباتی این اصل بیان شده است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئَظُنَّ عَنِذَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (سوره نساء آیه ۱۳۹)
لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (سوره آل عمران آیه ۲۸)

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (سوره هود آیه ۱۱۳)
روایت شریفه نبوی «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (من لا یحضره الفقیه، جلد ۴ صفحه ۳۳۴: اسلام هم چنان به برتری می‌رود و هیچ دینی بر آن برتر نمی‌شود). نیز از جمله دلایلی بوده است که در اثبات این قاعده مورد نظر قرار گرفته است.

این قاعده در روابط خارجی کشور اسلامی با کشورهای غیراسلامی در سطح کلان و خرد آن مانند روابط اجتماعی سلطه آور، روابط خانوادگی و حتی روابط فردی جاری است و کلیه قراردادها و معاهداتی را که مخالف آن است بی اثر و باطل می کند. در مجموع قاعده نفی سبیل را می توان از جمله قواعد فقه سیاسی دانست که به دنبال عزت و استقلال مسلمانان و کشورهای اسلامی است. (شریعتی، ۱۳۸۷، ۲۲۱)

۶،۱،۲،۲. سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تشکیل حکومت در مدینه

دلیل دیگری که می توان در خصوص لزوم حفظ استقلال جامعه اسلامی عنوان نمود استناد به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در بدو تأسیس اسلام، واحدی سیاسی به نام دولت مدینه تشکیل دادند و پس از تعیین حدود جغرافیایی برای آن، میثاقی نیز که به قانون اساسی مدینه معروف شد برای آن نگاشتند.^۱ در گام بعدی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای این محدوده کوچک اقدام به هویت سازی کردند و واحد اجتماعی تحت عنوان جامعه اسلامی به وجود آوردند و در این جامعه اسلامی، بر اساس حاکمیت الله، دست به تعیین قوانین و مقررات زدند و استقلال آن را به مثابه یک واحد سیاسی مستقل و قلمرو امت اسلامی در مقابل قریش و نیز امپراتوری ایران و روم به نمایش گذاشتند تا جایی که برای سران کشورها دعوت نامه نوشته و آن ها را به دین دعوت می کردند. (طبری، ۱۳۸۷ ق، جلد دوم، ۶۵۴ - ۶۵۵) و نیز در مقابل تجاوزات احتمالی ایشان با قاطعیت ایستادگی می کردند^۲ تا استقلال این واحد اجتماعی و سیاسی خدشه دار نگردد. از این رو سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تأسیس حکومت، تعامل با حکومت ها، حفظ نظام بر پایه حاکمیت الهی و حفظ دولت اسلامی و اجرای قوانین و مقررات اسلامی می تواند یکی از ادله مهم برای استقلال به حساب آید. زیرا که جامعه اسلامی آن روز که در محدوده مدینه النبی شکل گرفته بود، اولین مصداق از دارالاسلام به حساب می آمد که تلاش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با کمک مسلمانان آن زمان بر این بود تا از لحاظ هویتی، اقتصادی، نظامی و ... استقلال جامعه اسلامی را در برابر کفار محفوظ نگه دارند.

۱ برای دیدن مفاد این معاهده ر.ک: محمد حمیدالله، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، تهران: بعثت، ۱۳۶۶.

۲ یک نمونه از قاطعیت های رسول الله لشکرکشی ایشان برای مقابله با امپراتوری روم در جریان غزوه تبوک بود که پس از طی مسافتی بالغ بر ۷۰۰ کیلومتر با بحرانی که حکومت اسلامی را تهدید می کرد مقابله کردند. (برای دیدن جزئیات غزوه تبوک ر.ک: تاریخ طبری، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۱ به بعد)

۳، ۲، ۱، ۶. تبری

از دیگر دلایلی که می‌توان در خصوص مبانی فقهی استقلال یک نظام اسلامی به مثابه عضوی از پیکره امت اسلامی بیان نمود ادله‌ای است که به لزوم تبری در مقابل کفار اشاره دارد. قرآن کریم در آیات ابتدایی سوره ممتحنه مؤمنان را از دوستی با دشمنان دین نهی نموده است و در آغاز سوره مبارکه توبه نیز برائت خداوند و رسول را از ایشان اعلام نموده است. همچنین در آیات متعددی مسلمانان را از تکیه کردن به کفار و تمایل نسبت به ایشان نهی نموده است^۱ تبری که در لغت به دوری کردن از چیزی که مجاورت با آن امری ناپسند است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۱۲۱) تعریف شده است، به معنی دوری جستن و کناره‌گیری کردن و نوعی منزوی کردن دشمن است که در شرایط صلح به منظور بازداشتن دشمن از سوءاستفاده از روابط صلح‌آمیز علیه اسلام و امت اسلامی به شیوه‌ای متناسب با مقتضای زمان انجام می‌گیرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، جلد پنجم، ۸۱) چرا که دوستی مسلمانان با کفار باید به گونه‌ای باشد که به دین، نظام و وحدت مسلمین ضربه نزند. (شریعتی، ۱۳۸۷، ۲۲۰) در حقیقت مسئله تبری یک تکلیف جهادی و نوعی مقابله به مثل و در راستای دفاع مشروع است که جامعه اسلامی باید با چنین حالتی با دشمن برخورد کند تا ضمن طرد آنان، با بستن راه‌های نفوذ دشمن بتواند هویت و استقلال خود را حفاظت و تقویت نماید.. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، جلد پنجم، ۷۷)

اصل تبری که در کنار مفهوم «تولی» قاعده تولی و تبری را تشکیل می‌دهند، روابط فردی، گروهی و بین‌المللی را شامل می‌شود؛ بدین معنا که لازم است مسلمانان در رفتارهای فردی و اجتماعی و حکومت اسلامی در سطح بین‌المللی با دوستان و دشمنان خود بر اساس این قاعده رفتار کنند. (شریعتی، ۱۳۸۷، ۳۴۳) مدنظر قرار دادن اصل تولی و تبری در سیاست خارجی کشور اسلامی و روابط دوستانه و نیک با دوستان و رفتار خصمانه با دشمنان ستیزه‌جو در روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... از اصول

۱ به‌عنوان نمونه در آیه ۱۱۳ سوره مبارکه هود خداوند عاقبت کسانی که به سمت کفار متمایل شده و به آنان تکیه کنند را عذاب الهی بیان کرده است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ». و حتی پیامبر (ص) را از تمایل به سمت کفار نهی نموده و به وی هشدار داده است که اگر به سمت ایشان متمایل گردد دو برابر در دنیا و دو برابر در آخرت به او عذاب خواهد چشاند و هیچ گونه یاری نیز از جانب خداوند نخواهد داشت. (اسراء/۷۳ و ۷۴)

سیاست خارجی کشور اسلامی به شمار می‌رود (شریعتی، ۱۳۸۷، ۳۴۴) که نتایج آن در حفظ استقلال کشور به نمایش درخواهد آمد.

۶،۱،۳. دلایل مشترک

شمول بعضی از ادله مربوط به لزوم استقلال، هر دو حالت واحد سیاسی در برابر سایر واحدهای سیاسی و امت اسلامی در مقابل کفار را در بر می‌گیرد:

۶،۱،۳،۱. حرمت فتنه به معنای چنددستگی در درون جامعه اسلامی

دلیل دیگری که هم می‌توان از جنبه لزوم حفظ استقلال جامعه اسلامی به مثابه بخشی از امت اسلام به آن نگریست و هم می‌تواند به عنوان دلیلی برای استقلال نظام اسلامی به مثابه یک واحد سیاسی در مقابل سایر کشورها در نظر گرفته شود، حرمت فتنه به معنای ایجاد چنددستگی در درون جامعه است. در لغت برای فتنه معانی متعددی بیان شده است که شورش و طغیان (انوری، ۱۳۸۶، جلد ششم، ۵۲۶۳)، جنگ و ستیز (معین، ۱۳۸۸، جلد دوم، ۲۴۸۵) و اختلاف مردم در آنچه میان ایشان واقع شود از قتال و جنگ و نزاع و شورش (دهخدا، ۱۳۸۵، جلد دوم، ۲۰۹۰) از آن تعاریف است. استقلال درونی جامعه همان وحدتی است که حول محور تمامیت ارضی بر پایه حاکمیت اسلامی ایجاد می‌شود که فتنه در این معنای خود دقیقاً مقابل آن قرار می‌گیرد و موجب چنددستگی در درون جامعه، نفی استقلال و پیوند باطنی جامعه می‌گردد. این اختلافات و چنددستگی‌ها به از بین رفتن قدرت جامعه اسلامی و قدرت یافتن دشمنان و اغیار می‌انجامد و موجبات ضعف و ذلت جامعه اسلامی را فراهم می‌کند (جوادی آملی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ۶۱) و بدیهی است که آنچه به ضعف اسلام و جامعه اسلامی بینجامد چه حکمی خواهد داشت. وضع حرمت برای چنین اتفاقی که موجب از بین رفتن استقلال درونی جامعه می‌شود، می‌تواند از ادله استقلال باشد.

۶،۱،۳،۲. وجوب حفظ عزت اسلام و مسلمین

دلیل دیگری که می‌توان آن را به عنوان مبنای وجوب حفظ استقلال نظام اسلامی به عنوان عضوی از پیکره امت اسلامی در مقابل کفار دانست وجوب حفظ عزت اسلام و مسلمانان است. اهمیت این موضوع تا جایی است که در روایات وارده از معصومین (علیهم السلام) آمده است که خداوند به هیچ عنوان به مؤمنان اجازه نداده است که عزت خود را خدشه دار کنند و در مقابل دیگران خود را ذلیل کنند و در این خصوص بابی مستقل در

کتب روایی ذکر شده است.^۱ و فقها با استناد به این روایات و ادله دیگر، حکم به این نموده‌اند که هیچ امری در شریعت که موجب از بین رفتن عزت مسلمین شود وجود نداشته و نباید داشته باشد. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ هـ - ق، جلد ۱، صفحه ۱۹۲) این عدم جواز هم در مقابل سایر مؤمنان است و هم در مقابل کفار. از این رو در این نوشتار در قسمت ادله مشترک ذکر شده است.

۶.۲. ادله حقوق عرفی

درباره این که بر مبنای چه دلایلی استقلال در حقوق عرفی تا این حد مورد تأکید قرار گرفته است باید گفت همان گونه که در تاریخچه به صورت مختصر اشاره شد، از زمان تشکیل دولت‌های مدرن در اروپا، استقلال به عنوان بعد بیرونی حاکمیت شناخته شد. (قاضی، ۱۳۸۸، ۷۹) این تحول باعث شد تا وجود حاکمیت و قدرت سازمان یافته فائده تبدیل به ارکانی شوند که زوال آن‌ها باعث می شد تا در دولت بودن یک نهاد سیاسی تشکیک به وجود آید. پس استقلال از چنان جایگاه رفیعی برخوردار شد که بدون آن یک دولت نمی تواند ادعای کامل بودن کند؛ زیرا که دولت وابسته مطلق، دارای حاکمیت نیست و حاکمیت هم رکن جدایی ناپذیر یک دولت مدرن به شمار می رود؛ در نتیجه استقلال به یکی از ارکان وجودی دولت مبدل شده است که در نگاه امروزی حقوق عرفی، جای تردیدی برای ضرورت آن و لزوم تلاش حکومت برای تحقق آن باقی نمانده است. نکته دیگر این که تأمین منافع ملی و نیازهای شهروندان در غالب موارد بدون وجود استقلال در یک جامعه - حداقل به صورت تمام و کمال - ممکن نخواهد بود و همین نکته که یکی از وظایف اصلی همه دولت‌ها اعم از حکومت‌های اسلامی و سکولار، تأمین نیازهای شهروندان و حفظ منافع ملی است (فوزی و کریمی، ۱۳۸۹، ۱۴ و ۱۵) باعث می شود تا حفظ و تأمین استقلال جامعه امری ضروری تلقی گردد.

۷. استقلال در نظام حقوقی ایران

استقلال از مهم ترین ارکان و موضوعاتی است که در اصول مختلف قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است. در اصل دوم قانون اساسی، استقلال با همه انواع آن به عنوان یکی از

۱ به عنوان نمونه ر.ک: کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۶۳ (باب کراهة التعرض لما لا یطیق) و حر عاملی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۵۶ (باب کراهة التعرض للذل)

اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران برشمرده شده است. اهدافی که دولت مکلف است مجموعه‌ای از وظایف مندرج در اصل سوم را برای تحقق هر چه بیشتر آن مصروف دارد و حفظ آن نه تنها وظیفه دولت است بلکه بر اساس اصل نهم قانون اساسی، آحاد ملت نیز مأمور به حفظ آن هستند. این مفهوم در این اصل در کنار آزادی و وحدت و تمامیت ارضی، عناصر غیرقابل تفکیکی دانسته شده‌اند، که هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارد که حفظ آن دست‌مایه‌ای برای نادیده انگاشتن دیگر عناصر گردد. جنبه‌های مختلف استقلال در اصول مختلف مورد تصریح و اشاره قرار گرفته‌اند که همین نکته گویای اهمیت این مفهوم برای قانون‌گذاران اساسی است.

در بند ۱۱ اصل سوم استقلال در بعد سرزمینی و نظامی آن مورد توجه قرار گرفته است و دولت مکلف شده است تا با تقویت کامل بنیه دفاعی عمومی از طریق آموزش نظامی عمومی، استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور را حفظ نماید. وظیفه‌ای که به موجب اصل یکصد و چهل و سوم بر عهده ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز گذاشته شده است. در اصل چهل و سوم ضوابطی برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است که وظیفه همه آن‌ها تأمین اهدافی است که در صدر آن‌ها استقلال اقتصادی است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آن‌گونه که اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی بیان می‌کند بر اصولی استوار شده است که یکی از آن‌ها حفظ استقلال همه‌جانبه کشور است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی طبق اصل شصت و هفتم در بدو انتخاب به نمایندگی مجلس، به پابندی به استقلال کشور سوگند می‌خورند و رئیس جمهور بر اساس اصل یکصد و بیست و یکم در مراسم تحلیف، سوگند یاد می‌کند که در حراست از استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگ از هیچ اقدامی دریغ نرزد. از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استقلال حقیقی است که همه مردم جهان بایستی از آن برخوردار باشند (اصل یکصد و پنجاه و چهارم) و همه فعالیت‌های فردی و گروهی بایستی به گونه‌ای سامان یابد که استقلال در معرض خطر قرار نگیرد. (اصل بیست و ششم)

جمع‌بندی

مفهوم استقلال از مفاهیمی است که بی‌شک جزء مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران است که با ادله گسترده‌ای که در شریعت اسلامی برای آن می‌توان مشاهده کرد، بر اساس قانون اساسی همه فعالیت‌ها بایستی در راستای تضمین و حفظ آن صورت گیرد و یا حداقل در مقام تعارض با آن قرار نگیرد. این میزان ارزش‌گذاری برای این مفهوم، به گونه خاصی از انواع آن محدود نمی‌شود و ابعاد مختلف آن اعم از استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی دارای ارزش پیش‌گفته‌ای است که توجه و احترام به آن به‌عنوان یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی از همه افراد و گروه‌ها مورد توقع قرار گرفته و بر ایشان تکلیف می‌شود.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. بی‌نا، استقلال سیاسی، فرهنگ ایلام، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره ۷ و ۸، صفحات ۳۱ تا ۳۷
۲. خامنه‌ای سیدعلی، جستارهای استقلال اقتصادی، Khamenei.ir
۳. رنجبر مقصود، استقلال و ضرورت‌های جدید، قم، بضعه الرسول، ۱۳۸۱.
۴. عمار محمد اسماعیل، رابطه استقلال و پیشرفت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی، معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۷۲، فروردین ۱۳۹۱، صفحات ۱۱۷ تا ۱۳۵
۵. فاضلی حبیب‌الله، استقلال قوا و سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بررسی‌های حقوق عمومی، پاییز ۱۳۹۱، سال اول، شماره ۱، صفحات ۲۳ تا ۴۶
۶. منصوری جواد، فرهنگ استقلال و توسعه، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

منابع

۱. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، انتشارات دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ - ق، ۱۵ جلد
۲. انوری حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، ۸ جلد
۳. ایزدهی سید سجاد، فقه سیاسی امام خمینی (ره)، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۹۰
۴. تقی زاده انصاری، محمد، استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۷۹ صفحات ۸۹ تا ۱۱۷
۵. سیاح احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، انتشارات اسلام، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۰، دو جلد
۶. جعفری لنگرودی محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ۵ جلد
۷. جوادی آملی، عبدالله، خمس رسائل، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ - ق
۸. حلی ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ - ق، ۳ جلد
۹. خامنه‌ای سید علی، بیانات، برگرفته از پایگاه اینترنتی Leader.ir
۱۰. خمینی سید روح‌الله موسوی، کتاب البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ - ق، ۵ جلد
۱۱. دهخدا علی‌اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵، دو جلد
۱۲. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دارالقلم، بیروت، چاپ اول، بی تا
۱۳. شریعتی روح‌الله، قواعد فقه سیاسی، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۴. طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ هـ - ق، یازده جلد

۱۵. طوسی ابوجعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ هـ - ق
۱۶. عاملی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی کلاتر)، انتشارات کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۰ جلد
۱۷. عمید زنجانی عباسعلی، فقه سیاسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۴، ده جلد
۱۸. فاضل لنکرانی محمد، قواعد الفقهیه، چاپخانه مهر، چاپ اول، ۱۴۱۶، ص ۲۴۱
۱۹. فوزی یحیی و کریمی بیرانوند مسعود، تفاوت شناسی اهداف حکومت‌های سکولار و حکومت اسلامی، نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۵۱، صص ۷ تا ۴۰
۲۰. قاضی سید ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، انتشارات میزان، چاپ سی و پنجم، پاییز ۱۳۸۸
۲۱. مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، بی تا، ۲۷ جلد
۲۲. مصباح یزدی محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۱، ۵ جلد
۲۳. معین محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۸، ۶ جلد
۲۴. موسوی بجنوردی سید حسن، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، ۱۴۱۹ هـ - ق، ۷ جلد
۲۵. هاشمی محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۴، دو جلد
۲۶. هاشمی شاهرودی سید محمود و جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، موسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ ق، ۵ جلد
۲۷. وحید خراسانی حسین، منهاج الصالحین، نشر مدرسه امام باقر (ع)، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ هـ - ق، ۳ جلد

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir